

## اعدام قاتل ۲ محیط بان زنجانی در زندان



قاتل دومحیط بان زنجانی که هنگام تعقیب و گریز با شکارچیان با تیرچنگی آنها راکشته بود، دیروز در زندان زنجان اعدام شد. به گزارش خبرنگار جام جم، بامداد هفدهم فروردین سال گذشته در پی تعقیب و گریزی که در منطقه قیله خاصه استان زنجان میان محیط بانان و شکارچیان غیرمجاز رخ داد، دو نفر از محیط بانان به نام های مهدی مجلل و میکائیل هاشمی هدف

**ریزش ساختمان ۱۰ طبقه در آبادان بیش از ۳۳ کشته و مصدوم برجای گذاشت**

# مقصر حادثه «متروپل» کیست؟

ظهر دیروز، ریزش ناگهانی برج دولقی متروپل در خیابان امیرکبیر آبادان، فاجعه‌ای غمبار در این شهر رقم زد. این حادثه در حالی اتفاق افتاد که حدود دو سال پیش، نظام مهندسی آبادان طی نامه‌ای مهر و امضاشده، هشدار داد که سازه متروپل غیراستاندارد و به شدت خطرناک است اما مالک برج بدون توجه به هشدارهای آتش نشانی و نظام مهندسی آبادان، بر طبل لجبازی خودش کوبید و برج را

ساخت تالخلطات سخت و رعب‌آوری برای مردم آبادان رقم زدند. همچنین بر اساس عکس های منتشرشده در مراسم افتتاح این برج، شریعتمداری، استاندار وقت و رئیس سابق سازمان استاندارد هم حضور داشت تا روایان افتتاح برج را قیچی کند. با وجود گذشت چند ساعت از حادثه، اوضاع خیابان امیرکبیر و برج بلند و معروفش، هنوز بحرانی است و تا غروب روز دوشنبه، بیش از شش نفر کشته و ۲۸ نفر مصدوم اعلام شده‌اند.

هنوز چند دقیقه‌ای از انتشار خبر ریزش برج متروپل نگذشته بود که اولین فیلم این حادثه کل فضای مجازی را تسخیر کرد. برج خرساز متروپل، یک برج تجاری، پزشکی و اداری در فضایی با بیش از ۶۰۰ مترمربع است که در ۹ طبقه توسط هلدینگی معروف در سال ۱۳۹۸ ساخته شد و توسط استاندارد وقت خوزستان افتتاح و به بهره‌برداری رسید، اما حالا از آن برج و باروی باشکوه و غرق در نور خیابان امیرکبیر آبادان، تلی از خاک، آهن، فولاد و بتن به جامانده که از لابه‌لای تصاویر هولناکش، آه و فغان و ناله و نفرین مردم به گوش می‌رسد.

حجم خاک و غباری که به آسمان بلند شده، آن قدر غلیظ است که چشم چشم را نمی‌بیند. همه جا غبار آلود و زرد رنگ است. خودروهای زیادی زیر آوار و گرد و غبار دفن شده و برخی از مردم و حشتره‌ده، جان شان را برداشته و فرار می‌کنند، عده‌ای هم بی خیال مشغول تهیه فیلم و عکس هستند. انگار همه چیز منفجر شده اما نه، این چیزی بدتر از انفجار است. انگار زلزله هفت ریشتری آمده و همه چیز را درست در همان نقطه روی سر ساکنانش زیر و رو کرده است. مردی میانسال در حالی که کودکی را در آغوش گرفته، در به در در دنبال دکتر می‌گردد. صورت بچه را خون پوشانده و گریه می‌کند. دو زن کنارش هستند و یکی از آنها، روپوش سفیدی به تن دارد. اطراف برج، آزمایشگاه و مطب است و دیدن زن روپوش به تن، عجیب نیست. مرد میانسال فکر می‌کند پرسنل آزمایشگاه و مطب می‌توانند به کودک زخمی کمک کنند. مشخص نیست فرزندش است یا یک عابر. یکی از زنان با صدای بلندی می‌گوید: «آقا، ببرش بیمارستان، اینجا کسی نمی‌تونه کاری بکنه.» مرد با صدایی پر از بغض زار می‌زند: «ماشینم زیر خاکه.» بعد در پی پزشک، از جلوی دوربین محومی شود.

امین، یکی از ساکنان شهر آبادان است که وقتی متوجه حادثه در برج متروپل شد، برای نجات حادثه دیدگان به محل حادثه رفت. او به خبرنگار مامی‌گوید: «خانه‌ام حوالی محل حادثه است، با شنیدن خبر حادثه، سریع خودم را به محل رساندم.

متأسفانه بخشی از این برج دوقلو که در حال احداث بود، تخریب شده است. کارگران زیادی هنوز زیر آوار ساختمان مانده‌اند که تعدادی را نیروهای امدادی و آتش نشانی از محل خارج کرده‌اند. از حاحم جمعیت در محوطه محل ریزش ساختمان به حدی است که کار امدادرسانی را مشکل کرده است. البته مردم هم کمک می‌کنند، بین دو یخس برج، پله‌هایی وجود دارد که آن را به هم متصل می‌کرده و در واقع، ریزش از همین قسمت آغاز شده و ادامه پیدا کرده است.»

این شاهد ماجرا ادامه می‌دهد: «بیشتر مصدومان و سه چهار نفری که دیدم جسد‌های شان را از ساختمان بیرون بردند، از کارگران مشغول به کار در این برج هستند. حتی کارگری دیدم که پایش در حادثه قطع شده و نیروهای امدادی در حال انتقال او به مرکز درمانی بودند. کارگری هم در طبقات فوقانی گیر افتاده بود و چون پله‌ها تخریب شده بود، نمی‌توانست از آنجا خارج شود. برای همین، خودش را به محوطه پنجره رسانده بود تا از آن سمت خارج شود. نیروهای امدادی به شدت تلاش می‌کنند تا افراد محبوس را خارج کنند و محلی‌ها هم کمک حال هستند. خانواده‌های افرادی که در برج کار می‌کنند هم برای یافتن ردی از آنها به محوطه ساختمان ریزش کرده آمده‌اند. در حالی که معلوم نیست آنها فرار کرده‌اند یا مصدوم و کشته شده‌اند.»

حمیدرضا سلطانی، کارمند بانکی در خیابان امیرکبیر آبادان است که بسیاری از مردم آن را به نام خیابان امیری می‌شناسند، او در مورد لحظه وقوع حادثه به خبرنگار جام جم می‌گوید: «بانک ما ضلع مقابل برج متروپل است و حدود ۲۰ تا ۳۰ متر با برج فاصله داریم. ساعت حوالی ۱۲ ظهر مشغول کار بودیم که یک دفعه صدای لرزش بسیار شدیدی را شنیدیم. از ساختمان که خارج شدیم، شدت خاکی که به هوا برخاسته بود، خیلی زیاد بود. وقتی از حجم خاک کم شد، تازه متوجه شدیم بخشی از ساختمان دولقی متروپل ریزش کرده است. موقع ریزش ساختمان، کارگران هنوز در قسمت افتتاح نشده پارکینگ مشغول کار بودند. خدا را شکر که این اتفاق بعد از ظهر رخ نداد، چون مطب پزشکان افتتاح شده و ممکن بود به خاطر حضور پزشکان و بیماران شان، آمار تلفات زیاد شود. یک آزمایشگاه هم بین این دو برج قرار داشت که آوار ناشی از ریزش برج، آن را پوشانده و نیروهای امدادی هنوز هیچ دسترسی‌ای به آن ندارند. عابران و خودروهای عبوری زیادی هم در زمان ریزش برج در محل بودند که همگی آنها زیر آوار حبس شده‌اند. در حال حاضر پلیس کل خیابان امیری را بسته و تنها جرقچیل، لودر، اورژانس و آتش نشانی حق تردد در این منطقه را دارند.» او ادامه می‌دهد: «مردم متأسفانه اصلا همکاری نکردند. الان نزدیک ساعت

گلوله سلاح جنگی شکارچیان غیرمجاز قرار گرفتند و به شهادت رسیدند. عاملان این حادثه دو نفر بودند که خیلی زود بازداشت شدند. متهمان با اعتراف به جرایمشان روانه زندان و مدتی بعد در دادگاه کیفری یک استان زنجان محاکمه شدند که یکی از آنها حکم قصاص گرفت و دیگری به حبس محکوم شد. با تایید حکم مجازات آنها، پرونده به اجرای احکام

دادگستری استان زنجان ارسال شد. حجت‌الاسلام اسماعیل صادقی‌نیا یکی، رئیس کل دادگستری استان زنجان در این باره گفت: صبح دیروز – دوشنبه – قاتل این دومحیط بان موفق به جلب رضایت خانواده دو مقتول نشد و در محل زندان مرکزی زنجان پای چوبه دار رفت و قصاص شد. با پیگیری های انجام شده پرونده با فوریت رسیدگی و حکم به مرحله اجرا در آمد.



### در جست‌وجوی گرفتاران زیر آوار



او تجمع افراد در محل را یکی از مشکلات در مسیر امدادرسانی به گرفتاران اعلام می‌کند و می‌گوید: «بارها گفته‌ایم تجمع افراد در محل حادثه هیچ کمکی نکرده و عملیات امدادرسانی را هم با مشکل روبه‌رو می‌کند. خودروهای امدادی برای رسیدن به محل حادثه با مشکل روبه‌رو هستند و از مردم خواهش می‌کنیم محل راترک کنند. با توجه به حجم آوار، نمی‌توان زمان دقیقی برای پایان عملیات اعلام کرد، اما امدادگران باتمام قوادر حال جست و جویمان آوار هستند.

جست‌وجوی دستگاه‌های امدادی همچنان ادامه دارد. همه خدا خدا می‌کنند که کسی کشته نشود. اما آمارها از مرگ پنج نفر خبر می‌دهد. خبرهای دقیق امداد و نجات را باید از محمدباقر محمدی، معاون عملیات سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر بگیریم. او به جام‌جم می‌گوید: «باتوجه به وقوع حادثه در حوزه شهری، نیروهای هلال احمر به عنوان تیم‌های پشتیبان در محل حاضر شدند. ۱۷ تیم امدادی و واکنش سریع از شهرهای آبادان، اهواز، دشت آزادگان، خرمشهر، شادگان و ماهشهر همراه دو تیم آنست– سگ های زنده‌یاب– در محل حاضر شده و با کمک دیگر امدادگران عملیات جست‌وجو را آغاز کردند. سگ‌های زنده‌یاب توانستند محل گرفتار شدن دو مصدوم را جانمایی‌کنند که دو مصدوم زنده از زیر آوار خارج شدند. نیروهای امدادی هلال احمر ۲۲ نفر از گرفتارشدهان در زیر آوار را نجات داده و ۲۷ نفر را به مراکز درمانی شهرستان آبادان منتقل کردند.»



در شرایطی که دستگاه‌های متولی، مانند آتش نشانی و نظام مهندسی آبادان بارها برای سازندگان و مالکان برج متروپل خط و نشان کشیده بودند که سازه غیراستاندارد است و شرایط و استانداردهای لازم را برای افتتاح ندارد اما قدرت‌نمایی مالک برج برای ساخت آن به هر قیمتی و بی‌توجهی او به هشدارها، فاجعه کشته و مصدوم شدن

تعدادی از اهالی آبادان را رقم زد. در این بین، برخی مسؤولان آبادان نیز به جای پیگیری هشدارهای مربوط به نالایم بودن برج متروپل، با پشت کردن به نارضایتی‌های بسیاری از مردم آبادان و کارشناسان

### بیش از ۳۴ کشته و زخمی

مجتبی خالدی، سخنگوی اورژانس کشور درخصوص آخرین آمار قربانیان و مصدومان به جام‌جم گفت: پس از گزارش حادثه ریزش آوار، دو بالگرد آماده پرواز شده و دو اتوبوس آمبولانس، ۲۶ دستگاه آمبولانس و ۱۱۵ نفر از پرسنل اورژانس راهی محل شدند. وی افزود: امیر لطفوی، مهدی اسماعیلی، مهدی کشکی، علی نیک‌پور قنوتی و ۲ نفری که هویت آنها

مشخص نیست، در این حادثه دلخراش جان خود را از دست داده‌اند. همچنین تا ساعت ۱۹ دوشنبه، ۲۸ مصدوم در بیمارستان‌های منطقه بستری شدند که یکی از مصدومان بر اثر شدت جراحات، جان خود را از دست داد. براساس اعلام منابع محلی، ۵۰ نفر در زیر آوار گرفتار شده‌اند که این آمار براساس حدس و گمان است و نمی‌توان به طور رسمی آن را تایید کرد.



جام جم

حوادث

Accidents

۱۹

شبه‌شنبه ۳ خرداد ۱۴۰۱ شماره ۶۲۲۱

**جزئیات جدید از لحظه شهادت شهید خدایاری**

تحقیقات پلیس جنایی پایتخت نشان داد، دو مرد عامل شهادت صیاد خدایاری، قبل از ترور در

اطراف خانه او به کمین نشسته بودند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۱۷ یکشنبه اولین روز خرداد امسال، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی از طریق مأموران کلانتری بهارستان از شهادت این سرهنگ سیاه مطلع شد. بازپرس و تیم تحقیق پلیس آگاهی پایتخت به محل شهادت این مامور در یکی از کوچه‌های منتهی به محله مجاهدین اسلام رفتند. پیکر او را در حالی که هشت تیر به نواحی سر و دیگر نقاط بدن اسابت کرده بود داخل خودرویش پشت فرمان یافتند. همسرش به تیم تحقیق گفت: دو فرزند داریم، یک دختر و یک پسر خردسال. عصر روز یکشنبه، شوهرم با من تماس گرفت و گفت حوالی خانه‌مان است. رفتم سمت پنجره بیرون را نگاه کردم اما هنوز نرسیده بود. بازگشتم و منتظرش بودم که یکدفعه صدای تیراندازی شنیدم. هراسان به خیابان رفتم. خودروی شوهرم مقابل پارکینگ ساختمان متوقف شده و خودش هدف شلیک گلوله قرار گرفته بود. با تماس من و همسایه‌ها اورژانس و پلیس آمدند اما او به شهادت رسیده بود. در تحقیق از همسایه‌ها نیز معلوم شد، این شهید از چند سال قبل در این خانه مستاجر بود.

مأموران متوجه شدند، مردی رهگذر شاهد تیراندازی بوده که او گفت: در حال بازگشت به خانه‌ام بودم که دو سرنشین موتورسیکلت را دیدم که به خودروی پراید نزدیک شدند. آنها فاصله‌داشتم پس تصور کردم سارق هستند. بعد صدای تیراندازی آمد و هر دوی آنها را دیدم که به سمت خودرو شلیک می‌کردند. آنها فرار کردند. سریع خودم را سمت خودرو رساندم که دیدم سرنشین آن فوت کرده است.

محمدحسین زارعی، بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: در بازبینی دوربین‌های مدرسته اطراف خانه این شهید معلوم شد آن دو مرد سوئیشرت ورزشی به تن داشتند، کلاه بر سر گذاشته و ماسک زده بودند. ساک ورزشی هم همراه داشتند که هر دو سلاح را در آن گذاشته و چند ساعتی در کمین آن شهید بودند. همچنین ضاربان به صورت همزمان به سمت شهید شلیک کردند.

## اعتراف به قتل بعد از ۶ سال

مرد جوان با حضور در کلانتری مولوی مدعی شدشش سال قبل، مردی را در جریان سرقت گوشی تلفن همراه به قتل رسانده و حالا تصمیم گرفته خود را تسلیم کند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، دو روز پیش مرد جوان تبعه‌افغانستان به کلانتری مولوی تهران رفت و ادعای عجیبی را مطرح کرد ومدعی شد قاتل است. او به ماموران گفت: غیرقانونی برای کار به ایران آمدم. اوایل سال ۹۶ به میدان ولی عصر (عج) تهران رفته بودم. دلم برای خانواده‌ام تنگ شده و می‌خواستم با آنها تلفنی حرف بزنم اما گوشی تلفنم را در دست گرفته‌ام. وسوسه سرقت گوشی به جانم افتاد. با چاقو او را زدم و گوشی را سرقت کردم اما مرد زخمی بر اثر شدت خونریزی فوت کرد. بعداز قرار، با خانواده‌ام تلفنی حرف زدم و بعد گوشی را فروختم. در این مدت پنهانی زندگی می‌کردم اما بعد از شش سال عذاب وجدان گرفتم و آمده‌ام کلانتری خودم را تسلیم کنم.

محمدتقی شعبانی، بازپرس شعبه دهم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: تحقیقات از مرد بازداشت شده درباره صحت و سقم ادعایش در اداره دهم پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

واکنش‌ها